

نگاهی به موسیقی شوشتر

حضور موسیقی در خانواده‌های بومی شوشتر به صورت میراثی گرانبها نسل به نسل تا امروز حفظ شده است. این موضوع نشانگر اهمیت و حضور دیربای نغمات باقی‌مانده در این شهر می‌باشد. در گذشته نوازندگان و خوانندگان بسیاری در شوشتر و دزفول بوده‌اند که امروز تنها چند تن از شاگردان آنها باقی مانده‌اند.

در زمینه قدمت و سوابق موسیقی فعلی شوشتر نمی‌توان نظری قطعی داد ولی بدون شک می‌توان گفت که حداقل از چهار نسل پیش، این نغمات محلی در سینه موسیقی‌دانان شوشتر محفوظ بوده است. عبدالمحمد برجسته که در سال ۱۳۶۸ در سن ۱۰۸ سالگی فوت شد در گفتگویی در سال ۱۳۶۰ اشاره کرده است، که گوشه‌های محلی شوشتر و تعزیه را از "عباس شندلو" (نوازنده نی) که ۷۰ سال پیش فوت شده بود، فراگرفته است. نغمات محلی این منطقه از نظر فرم، ساختار و محتوا با ردیف سنتی موسیقی ایران ارتباط نزدیکی دارد. در موسیقی شوشتر تصنیف‌های بسیار زیادی سرآییده و ساخته شده که از نظر فرم دارای اهمیت است و از نظر ملودی نیز بسیار زیبا و قابل توجه می‌باشند.

موسیقی شوشتر را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد: بخش قابل توجهی از نغمات محلی شوشتر را نغمات مربوط به مراسم عروسی و شادمانی تشکیل می‌دهد و بخش دیگر را موسیقی مذهبی این منطقه، موسیقی کار، محدود به چند نمونه آوازهای کار می‌باشد. هم چنین در شوشتر

تعداد قابل توجهی گوشه که تا حدی قابل مقایسه با گوشه‌های ردیف دستگاهی است وجود دارد که غالباً در مجالس خصوصی و شب نشینی‌های دوستانه همراه با تصنیف‌ها و ترانه‌های شوشتری به اجرا در می‌آید.

غالباً اجرای موسیقی در یک مجلس به آن شکل است که ابتدا یک قطعه ضربی با سازی مانند "تار" یا "نی" یا "نی جفته" و "تمبک" نواخته می‌شود. پس از آن خواننده که معمولاً ضرب‌گیر نیز هست، بخشی از ردیف را می‌خواند. در قسمت‌های مختلف ردیف گوشه‌های محلی خواننده می‌شود. وقتی خواننده در حال خواندن است، ساز همراهی کننده چیزی نمی‌نوازد و بعد از پایان آواز جواب خواننده را می‌دهند. به گفته کامران فر پس از این قسمت برای استراحت خواننده یک قطعه ضربی نواخته می‌شود که "دشتی خسته" یا "خسته لالا" نامیده می‌شود. به همین ترتیب نغمات ادامه می‌یابند و در نهایت اجرای موسیقی با یک ترانه با قطعه ضربی پایان می‌پذیرد.

نام گوشه‌های محلی در شوشتر و دزفول گاه توصیف و دلیل سروده شدن نغمه را می‌رساند؛ مثلاً در دزفول گوشه‌ای به نام "مارضوئی" هست که در مراسم عزاداری نواخته یا خواننده می‌شود. در مورد این گوشه گفته می‌شود که مادری فرزندش رضا را از دست می‌دهد و اندوه این فراق چنان بر مادر سنگین است که مویه‌ای سر می‌دهد. ملودی این مویه مورد توجه واقع می‌شود و هرگاه جوانی ناکام از دنیا برود آن را می‌خوانند. "مارضوئی" می‌تواند گویش محلی "مادر رضا" باشد.

موسیقی شوشتر و دزفول دارای اصطلاحات ویژه‌ای است که برخی از آن‌ها کاربرد فراوان‌تری دارند. یکی از این اصطلاحات "دشتی" است. این اصطلاح تنها به آواز دشتی اطلاق نمی‌شود و آن را برای نامیدن همه آوازها و نغمه‌های رایج در موسیقی شوشتر و دزفول نیز به کار می‌برند. در واقع "دشتی" یک نام کلی و عمومی برای نغمه‌های این منطقه است که تعداد قابل توجهی از این نغمه‌ها نیز اختصاصاً در پرده‌های آواز دشتی است. اصطلاح دیگر "سر" است که به معنی "در پرده" یا "در مقام" به کار می‌رود. برای مثال "تیکه دشتی سر مویه چهارگاه" یعنی گوشه‌ای محلی در پرده‌های مویه چهارگاه.

به مجموعه آوازهائی که در مقام‌های مختلف در شوشتر اجرا می‌شود "شوشتری دستگاه" می‌گویند و در هر دستگاه یا آوازی از ردیف دستگاهی، چند تیکه در موسیقی شوشتر وجود دارد. برخی گوشه‌ها یا تیکه‌ها در موسیقی این منطقه دارای یک قسمت ضربی سازی هستند که معمولاً به عنوان جواب در لابه‌لای آوازهای اصلی اجرا می‌شود. از این جمله است "دشتی کتراک" در پرده‌های ماهور.

ارتباط میان موسیقی شوشتر و دزفول

موسیقی شوشتر و دزفول در اساس دارای ریشه‌های واحدند و تفاوت آن‌ها در گویش، برخی اصطلاحات و نغمه‌ها و نیز تقدم و تاخر و چگونگی تسلسل برخی از نغمه‌ها است. این موسیقی دارای اهمیت بسیار است. ارتباط این موسیقی از نظر ساختار و محتوا با ردیف سنتی موسیقی ایران، به گونه‌ای است که بررسی آن شاید بتواند پژوهشگران را در یافتن پاسخی برای برخی پرسش‌ها پیرامون ردیف سنتی یاری دهد. پیشینه تاریخی این دو شهر، همسایگی آن‌ها با فرهنگ ویژه و گسترده لره‌های بختیاری (به عنوان یکی از اصیل‌ترین و پیرامنه‌ترین و گسترده‌ترین فرهنگ‌های بومی ایران) در بسیاری از موارد به درهم آمیزی فرهنگی منجر شده است. وجود پاره‌ای از نام‌ها و اصطلاحات موسیقی که با اصطلاحات ردیف سنتی در رابطه است، وجود تعداد قابل ملاحظه‌ای از گوشه‌ها و آوازها که به طور مشخص در ارتباط نزدیک با دستگاه‌ها و آوازها و گوشه‌های ردیف سنتی است، به قسمی که تقریباً در هر دستگاه و آوازی، قطعات و گوشه‌هایی در موسیقی شوشتر و دزفول دیده می‌شود، حضور نوازندگان و خوانندگان آشنا به ردیف سنتی، حضور تار به عنوان مهم‌ترین ساز رایج در همراهی آواز در شوشتر و دزفول، حضور برخی از نوازندگان و خوانندگان این منطقه در دربار ناصری، ارتباط ساختاری میان تصنیف‌های سنتی بازمانده از اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی با ترانه‌ها و برخی از تصنیف‌های سنتی بازمانده از دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی



با ترانه‌ها و برخی از تصنیف‌های شوشتری و دزفولی و ... جملگی دلایلی هستند که ما را در دریافت پیوند موسیقی شوشتر و دزفول با ردیف سنتی یاری می‌کنند.^۲ بررسی دقیق موسیقی این منطقه می‌تواند ما را در ارتباط متقابلی که میان این موسیقی و ردیف سنتی وجود دارد، یاری کند.

علاوه بر این آقای غفاری می‌گوید: یکبار هنگامی که تاج اصفهانی ردیف می‌خواند دیدم گوشه‌های آشنا را می‌خواند که در ردیف نبود و ایشان آن را گوشهٔ "حسن موسائی" از گوشه‌های قدیمی محلی دزفولی یا شوشتری دانستند.^۴ می‌گویند تاج اصفهانی بارها به دزفول رفته و با موسیقی دانان آنجا ارتباط داشته و بسیاری از گوشه‌های محلی را می‌شناخته‌اند.^۵

از نوازندگان قدیمی تار در این منطقه می‌توان به عبدالمحمد برجسته (عدل)، صادق، اسدالله، کاظم مندنی، هوشنگ فرهنگ و حسن نکبسا (ملاحسن بزی)، در شوشتر و دزفول اشاره کرد که همگی در گذشته‌اند. در میان خوانندگان نغمات محلی حسین هزاردستان، سید مجید احد زاده (داعی)، محمد علی شهامی را می‌توان نام برد. از نوازندگان نی و نی جفته می‌توانیم از عباس شندلو، کرم عتبی (کرم شولو)، گلاب و عیدی اسد بهار یاد کنیم. امروز علی محمد شهامی (خواننده)، عبدالکریم پاک سیرت (خواننده و نوازندهٔ تار) و سید جلال مرعشی پور (نوازندهٔ نی جفته) تنها میراث داران موسیقی قدیمی و محلی شوشتر هستند.

سازهای رایج در این منطقه تار، سورنا، دهل، نی جفته، دف، نی، تمبک (ضرب) بوده و در مراسم دروایش سلسلهٔ خاکسار سازهایی مانند انبر و شق شق نیز بکار گرفته می‌شود.

شوشتر با آن که دارای فرهنگ و هنری کهن و دارای قدمت می‌باشد، همانند بسیاری از دیگر نقاط ایران دستخوش تحولات فراوان است و در زمینه موسیقی با درگذشت استادان بزرگی مانند استاد محمد علی شهامی در واقع دیگر کسی نیست که موسیقی قدیم را در عمق و کنه آن باز شناخته باشد.

نغمه‌ها و ترانه‌های کار فراموش شده، از موسیقی مذهبی جز چند نوحه قدیمی نمونهٔ دیگری باقی‌نمانده و بقیه آن‌ها نغماتی است که قدمت آن‌ها به چند دهه پیش باز می‌گردد. موسیقی در مجالس کمتر اجرا می‌شود و اگر گاهی نیز یادی از آن شود اجرا کننده و راوی متخصص و متبحری ندارد. بخش‌هایی از موسیقی مراسم شادی و عروسی کم و بیش باقی‌مانده ولی بسیاری از نغمات این بخش نیز در طول زمان از یاد رفته و جای خود را به نوعی دیگر از موسیقی داده که دارای قدمت چندانی نیست.

یادداشت‌ها

- ۱) گفتگو؛ با عبدالمحمد برجسته، غفاری، دزفول، ۱۳۷۶.
- ۲) استاد احمد علی کامران فرد، رساله دست‌نوشته.
- ۳) محمد رضا درویشی، مقدمه‌ای بر شناخت موسیقی نواحی ایران، دفتر نخست: هرمزگان- بوشهر- خوزستان.
- ۴) گفتگو با آقای غفاری، دزفول ۱۳۷۶.
- ۵) محمدرضا درویشی، همان.

گفتگو ۱۲۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی